

تاریخ علم، دوره ۱۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۶۹-۹۸

## بررسی ساختار آموزش و پرورش کرمان در دوره پهلوی اول (عوامل رشد و موانع توسعه)

جمشید روستا

دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان  
jamshidroosta@uk.ac.ir

مهدی اسدی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان  
Mahdiasadi@uk.ac.ir

محمدصادق صابرمش

کارشناس ارشد ایرانشناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان  
mohammadsadighsaberamanish@gmail.com  
(دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۲، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹)

### چکیده

تغییر در ساختار نظام آموزشی که از زمان مشروطیت با وضع قوانین جدید آغاز و به تدریج تداوم یافت، با تغییر ساختار دولت در دوران پهلوی اول و اتخاذ سیاست‌های جدید دستخوش تغییرات عملی گسترده گردید. سیاست تمرکزگرایی دولت جدید تمامی ساختار آموزشی کشور را تحت نظارت حکومت درآورد. متناسب با چنین رویکردی شهر کرمان نیز از جهات کمی و کیفی اصلاحات گسترده‌ای را در حوزه آموزش و پرورش از سر گذراند. علی‌رغم دستاوردهای مهم در این زمینه، ایالت و شهر کرمان از کمبود بودجه رنج می‌برد. به همین سبب بررسی پیامدهای کمبود بودجه در ساختار معارف شهر کرمان محور پژوهش حاضر است. یافته‌های پژوهش که با روش تاریخی و با رویکرد تحلیلی بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسناد نویافته صورت گرفته است، نشان می‌دهد علی‌رغم دستاوردهای آموزشی گسترده در ساختار آموزش و پرورش شهر کرمان، عواملی همچون محدود بودن امکانات مالی و تخصیص میزان اندکی در بودجه سالانه دولت سبب می‌گردید که تغییرات صورت گرفته متناسب با نیازهای نظام آموزشی موجود نباشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، بودجه، پهلوی اول، کرمان، وزارت معارف.

#### مقدمه

اصلاح و تمرکز در ساختار نظام آموزشی ایران از جمله مهم‌ترین علایق مشروطه خواهان محسوب می‌گردید. تصویب برخی از قوانین در مجلس اول و تداوم این تلاش‌ها در سال ۱۲۹۰ ش در این باره قابل بررسی است. مهم‌ترین گام در این زمینه در سال ۱۳۰۰ ش و با تصویب قانون شورای عالی فرهنگ برداشته شد و تمامی امور مربوط به اعمال سیاست تمرکز در وزارت معارف بر عهده این شورا گذاشته شد. شهر کرمان یکی از نخستین شهرهایی بود که از ابتدای دوران مشروطیت با تأسیس مدارس ملی در ایجاد تغییرات گسترده در ساختار سنتی نظام آموزشی خود سعی کرد. حضور گسترده آزادی خواهان و علاقه‌مندان به نظام حکومت مشروطیت در کرمان و نقش آنان در تحولات این دوران اسباب توجه آنان به اعمال تغییرات در ساختار نظام آموزشی و تشکیل چند مدرسه ملی گردید. شهر کرمان یکی از معدود شهرهایی بود که با تصویب قانونی در مجلس دوم می‌بایست یک مدرسه دولتی در آن ایجاد می‌شد (حامدی، ۱۳۶). شکل گیری مدارس ملی در شهر کرمان همانند سایر شهرها با مشکلات بسیاری به همراه بود اما حمایت‌های همه جانبه آزادی خواهان و علاقه‌مندان به اصول آموزشی جدید سبب پایداری آنها می‌گشت (صنعتی‌زاده، ۱۴۶).

با اعمال سیاست‌های تمرکزگرایانه در تمامی ساختار حکومتی، نظام معارفی کشور نیز می‌بایست مطابق با این سیاست تمرکزگرایانه جدید بازتعریف می‌شد. دستورالعمل‌های بسیاری در ابتدای دوران پهلوی اول در این زمینه به تصویب رسید (ساکما، ۱۸: ۲۹۷/۳۷۶۹۸). اتخاذ چنین رویکردی تحولات عمده‌ای در ساختار آموزشی کشور به جا نهاد. افزایش تعداد مدارس نوین در کنار کاهش مدارس سنتی، تلاش در راه افزایش سطح تعلیمات عمومی جامعه، مبارزه با بی‌سوادی، تلاش در راه پذیرش تفکر نوین آموزشی از مهم‌ترین دستاوردهای نظام آموزشی تمرکزگرای این دوران است. هرچند در بسیاری از مسائل از جمله یکسان‌سازی قوانین آموزشی اعمال این سیاست فواید بسیاری را به همراه داشت، اما به جهت فهم و اجرای نادرست سیاست تمرکزگرایی اعمال این رویه پیامدهای نامناسبی نیز به همراه داشت. عدم استقلال مالی مراکز ایالت و انتخاب آموزگاران شهرها با نظر مرکز و بی‌توجهی به آموزش عملی دانش آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی و گرایش فارغ‌التحصیلان برای ورود به مشاغل

دولتی و حتی بی‌توجهی به ادامه‌ی مشاغل پدران خود از جمله‌ی مهم‌ترین کاستی‌های نظام آموزشی موجود بود (بیداری، س ۱، ش ۳۵، ۱؛ صدیق، ۱۴۰).

با توجه به ساختار کاملاً معیوب نظام آموزشی گذشته و محدود بودن منابع مالی دولت، کمبود بودجه یکی از مهم‌ترین مشکلات نظام معارفی کشور و به‌خصوص شهر کرمان به عنوان مرکز ایالت هشتم محسوب می‌شد. اعمال سیاست تمرکز به نوعی اتکاء مالی مدارس ملی به بودجه‌ی دولت نسبت به سابق بیشتر کرد هرچند حمایت‌ن‌چندان دولت از این مدارس مشکلاتی را برای آنان به همراه آورد. به‌رغم پیشرفت‌های کمی در ساختار آموزشی به جهت محدود بودن منابع مالی از جهات کیفی نظام آموزشی مشکلات بسیاری داشت.

بر این اساس می‌توان چنین پرسش‌هایی را طرح کرد: ۱- کمبود بودجه چه تأثیری در فرایند توسعه‌ی مدارس شهر کرمان به همراه داشت؟ ۲- تأثیر مشکلات مالی بر وضعیت آموزگاران چگونه بود؟

در رابطه با ساختار آموزش و پرورش این دوران پژوهش‌های مختلفی به چاپ رسیده است. رودی متی در مجموعه مقالاتی که به همت استفانی کرونین به چاپ رسیده است مقاله‌ای با عنوان آموزش و پرورش در دوره‌ی رضا شاه به چاپ رسانده است. رساله‌ی عیسی صدیق با عنوان «ایران مدرن و نظام آموزشی آن» که مربوط به نیمه‌ی اول سلطنت پهلوی اول است در سال ۱۳۹۷ پس از ترجمه به چاپ رسیده است. در پژوهش‌های نام برده شده اصول و ساختار کلی معارف بررسی شده است. در مورد وضعیت آموزش و پرورش شهرها و ایالت‌های این دوران پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. علی نادریان‌فر و همکاران او در مقاله‌ای به بررسی ایجاد مدارس نوین و عملکرد آن در بلوچستان پرداخته‌اند. جلیل نائیبیان و محرم قلی‌زاده در باره‌ی نقش سیاست‌های فرهنگی دوره‌ی رضا شاه در وضعیت آموزش و پرورش تبریز پژوهش کرده‌اند. فاطمه بیگم روح‌الامینی تعدادی از اسناد معارف کرمان را از مشروطه تا پهلوی دوم جمع‌آوری و بازخوانی کرده است.

#### وضعیت مدارس در مقاطع مختلف

تقسیم‌بندی مقاطع تحصیلی برگرفته از نظام آموزشی کشور فرانسه بود. این سطوح تحصیلی که شامل دو دوره‌ی شش ساله ابتدایی و متوسطه می‌شد که مقطع اخیر به دو

دوره سه ساله تقسیم می‌گردید. برای ورود به دوره دوم متوسطه امتحان گرفته می‌شد. این دوره به دو شعبه ادبی و علمی تقسیم می‌شد. شعبه ادبی شامل درس‌های ادبی، تاریخ و جغرافیا می‌شد و شعبه علمی شامل درس‌های ریاضی، فیزیک، شیمی و تاریخ طبیعی می‌شد (حکمت، ۱۲۲-۱۲۴). علی‌رغم رشد کمی و کیفی این مدارس در مقاطع مختلف با توجه به سیاست‌گذاری‌های کلان دولت، کمبود بودجه و مسائل مالی نقش مهمی در توسعه مطلوب این مدارس داشت.

#### مدارس ابتدایی

با توجه به نوپایی ساختار جدید آموزشی و وجود مشکلات بسیار در این زمینه، مهم‌ترین برنامه حکومت تا سال ۱۳۰۸ گسترش و اهمیت دادن به تعلیمات ابتدایی بود. افزایش کلاس‌های درسی در مقطع ابتدایی از ۴ کلاس به ۶ کلاس در دستور کار وزارت معارف قرار گرفت. اهمیت این مقطع به اندازه‌ای بود که در مجلس ششم اعتبار خاصی برای تشکیل مدارس ابتدایی و تعلیمات عمومی در نظر گرفتند (حامدی، ۱۶۴). با توجه به محدودیت بودجه و توان اندک مالی مدارس ملی که اغلب آنها وابستگی بسیاری به حمایت‌های مالی دولت داشتند، لزوماً همه مدارس ابتدایی نمی‌توانستند تمامی کلاس‌های این مقطع را برگزار کنند. تعدادی از مدارس ابتدایی تنها سه یا چهار کلاس بودند. شهر کرمان نیز با وجود کمبود همیشگی بودجه از این قاعده مستثنی نبود. دبستان دولتی باغ سرآسیاب در سال ۱۳۱۹ هم چنان چهار کلاس بود (روح الامینی و دیگران، ۲۵۳/۲) کمبود بودجه و بی‌توجهی به توسعه مدارس ابتدایی که مرتبط با نخستین برنامه جامع آموزشی کشور بود، سبب گردید روند ساخت این مدارس تا سال‌های پایانی پهلوی اول همچنان تداوم داشته باشد. این امر سبب گردید در سال ۱۳۱۹ چندین مدرسه ابتدایی در کرمان ساخته شود (بیداری، س ۱۰، ش ۳۰، ۱). همچنین بررسی‌های آماری نشان می‌دهد در نیمه دوم دوران پهلوی اول به جز مدارس ملی بیش از پانزده مدرسه ابتدایی دولتی در شهر کرمان ساخته شد (نک: روح الامینی و دیگران، ۲۶۳-۳۳۷) در حالی که مطابق با برنامه دوم آموزشی در نیمه دوم این دوران می‌بایست به توسعه و ساخت مدارس دوران متوسطه اقدام می‌شد.

همچنین بررسی نمودار معارفی دانش‌آموزان دوران ابتدایی در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ نشان می‌دهد کمبود مدارس در این سال‌ها هم‌چنان وجود داشته و تعدادی از

بررسی ساختار آموزش و پرورش کرمان.../۷۳

دانش‌آموزان به جهت محدودیت قادر به ورود به مدارس نبودند (بیداری، س ۸، ش ۱۶، ۳؛ همان، س ۹، ش ۶، ۱).

توسعه مدارس ابتدایی دختران از ابتدای این دوران مورد توجه قرار گرفت. هرچند به دلایل مختلف مالی و مسائل اجتماعی کمتر مورد توجه وزارت معارف بود. مشکلات مالی موجود سبب شد در این زمینه نیز تشکیل مدارس ملی کمک مؤثری در توسعه این مدارس باشد. استقبال اهالی مناطق شرقی کرمان از مدارس برپایی مدرسه ابتدایی دخترانه را در سال ۱۳۰۶ ش سبب گردید. مدیر مدرسه دانش در خارج از دروازه وکیل مدرسه‌ای ملی و دخترانه با نام پهلوی تأسیس کرد و بودجه آن نیز از شهریه دانش‌آموزان تأمین می‌شد. اداره معارف کرمان نیز در راستای حمایت از چنین مدرسه‌ای مقداری از بودجه مدرسه را در ردیف بودجه سالیانه کرمان منظور نمود (ساکما، ۲۹۷/۱۶۶۷۳، ۴).

به‌طور کلی تحصیل دختران به عوامل مهمی همچون توان مالی خانواده‌ها و رویکرد اعتقادی و اجتماعی آنان به تحصیل دختران بستگی داشت. به همین جهت تأسیس و گسترش دبستان بانوان در برخی از مواقع به جهت استقبال کم بانوان در خطر تعطیلی قرار می‌گرفت. دبستان ملی نسوان مدت کوتاهی پس از تشکیل به جهت مشکلات مالی مردم و مخالفت با تحصیل دختران در خطر تعطیلی قرار گرفت. از آنجایی که قسمتی از هزینه‌ها از سوی متقاضیان پرداخت می‌شد، ورود ناکافی بانوان این دبستان را به تعطیلی کشاند (بیداری، س ۵، ش ۵۵، ۴). بر همین اساس توجه اصلی به ساخت مدارس بانوان بیشتر از سوی دولت به‌خصوص در نیمه دوم دوران پهلوی اول صورت گرفت و مدارس ملی بانوان کمتر مورد توجه به نسبت مدارس پسران بود. به طوری که تا سال ۱۳۲۰ بیشتر تعداد دبستان‌های دخترانه دولتی بودند (بیداری، س ۱۱، ش ۷، ۱). مشکلات مطرح شده سبب گردید بسیاری از مدارس ابتدایی دختران نیز با ظرفیت کامل شش ساله مقطع ابتدایی تشکیل نگردند (بیداری، س ۴، ش ۱۱، ۴).

مدارس اکابر از جمله مدارس مورد توجه این دوران بود. این مدارس در ابتدا در ردیف مدارس ابتدایی قرار می‌گرفت و مدرک آنها معادل چهارم ابتدایی بود. از اواخر سال ۱۳۱۰ ش دولت برای مبارزه با بی‌سوادی به آموزش بزرگسالان توجه کرد. در سال ۱۳۱۶ ش وزارت فرهنگ موظف شد در سراسر کشور جهت بزرگسالان بین ۱۸ تا ۴۰ سال مدارس شبانه برپا نماید. محل تشکیل این مدارس در دبستان‌ها بود (کرونین، ۱۹۲

؛ بیداری، س ۹، ش ۹، ۴). علی رغم تأکید دولت در گسترش چنین مدارس، کمبود بودجه در جهت توسعه مدارس اکابر به خصوص در مناطق اطراف کرمان سبب گردید متنفذین محلی با هزینه‌های خود به کمک دولت در این زمینه اقدام نمایند (بیداری، سال ۷، ش ۸، ۴). کمبود آموزگار برای تدریس در این مدارس از دیگر موانع عدم توسعه مدارس اکابر بود. برای حل چنین مشکلی اداره معارف کرمان از وزارت معارف می‌خواهد برای بازدهی بهتر آموزگاران و با توجه به کمبود معلم و عدم تأمین بودجه لازم برای استخدام آموزگاران، بهتر است این کلاس‌ها در تابستان برگزار و تا حدودی از مشکلات موجود کاسته گردد (ساکما، ۲۳۸۸۸/۲۹۷، ۱۱).

#### مدارس متوسطه

با توجه به محدودیت بودجه کشور در توسعه سریع معارف، تأکید اصلی دولت در ابتدا بر سراسری کردن تحصیل در مقطع دبستان بود. حداقل تا نیمه نخست دوران پهلوی اول با توجه به مشکلات مالی موجود اقدام چندانی به منظور توسعه مدارس در مقاطع متوسطه صورت نگرفت. هرچند برنامه این مدارس در دو نوبت در سال‌های ۱۳۰۷ و ۱۳۱۲ ش تدوین گردید (اکبری، ۲۱۴). مدارس دوره دوم متوسطه دارای گرایش‌های ادبی و علوم و بازرگانی بودند و درس خواندن در این گرایش‌ها افراد را آماده حضور در مقاطع بعدی دانشگاهی یا مدارس عالی می‌کرد. همچنین رویکرد دولت این بود که هر وزارتخانه یک دبیرستان ضمن خدمت طبق نیازهایش تأسیس کند. چنان‌که وزارت کشاورزی در این راستا یک مدرسه و دانشکده کشاورزی تأسیس کرد (صدیق، ۱۱۳).

بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۰۸ در شهر کرمان برای دوران متوسطه مدارس وجود نداشت و محصلان پس از گرفتن سیکل اول متوسطه برای ادامه تحصیل می‌بایست به تهران می‌رفتند. مشکلات مالی موجود سبب گردید با تلاش‌های شخصی حسین جودت رئیس وقت معارف ایالت کرمان در این سال به همت معارف دوستان تنها یک کلاس در دوره نخست متوسطه تشکیل گردد (بیداری، شماره ۶۸، ۴). جودت برای پیگیری و افتتاح رسمی مدارس متوسطه در شهر کرمان، ضمن سفر به پایتخت در سال ۱۳۰۹ نظر وزیر معارف را در افزایش اعتبار بودجه در تشکیل مقطع نخست متوسطه به همراه جذب دو معلم برای تدریس در این مقطع جلب نماید (بیداری، س ۲، ش ۶۷، ۲).

به نظر می‌رسد از ابتدای سال ۱۳۱۰ ش توجه به مقطع متوسطه در شهر کرمان مورد توجه گسترده وزارت معارف قرار گرفت. انتخاب فردی همانند فره‌وشی (مترجم همایون سابق) از مرکز برای ریاست دبیرستان پهلوی این توجه را نشان می‌دهد (بیداری، س ۲، ش ۲۰-۲۱، ۴). اما توجهات دولت در این زمینه بسیار ناکافی بود به این جهت در همان زمان معارف دوستان کرمان در نامه‌ای به وزیر معارف افتتاح چند باب مدرسه متوسطه و تکمیل کردن تنها مدرسه متوسطه از حیث ساختمان و اثاثیه و کتابخانه و آزمایشگاه را خواستار شدند. در نهایت افتتاح دوره دوم متوسطه را درخواست کردند تا حداقل بتوانند برای مدارس آموزگار تربیت نماید (بیداری، س ۲، ش ۴۲، ۱). با توجه به ناکافی بودن بودجه معارف ایالت کرمان و عدم افزایش آن در سال ۱۳۱۱، نواقص مدرسه متوسطه پهلوی هم چنان تداوم داشت و با کمبود بودجه و معلم تنها با تلاش‌های دلسوزانه حسین جودت نماینده معارف ایالت کرمان و مترجم همایون و همراهی تعدادی از آموزگاران بدون کمترین چشم داشت مادی اداره می‌گردید (بیداری، س ۳، ش ۴۰، ۱).

با توجه به امکانات محدود دولت در توسعه مدارس متوسطه، ساخت مدارس متوسطه ملی نیز مورد توجه معارف دوستان بود. دبیرستان ملی شهاب که در سال ۱۳۱۴ بنا گردید یکی از این مدارس بود. هرچند هزینه‌های بسیار مدارس متوسطه به‌خصوص در جذب معلمان با درجه تحصیلی دیپلم سبب تحمیل هزینه بسیار برای این مدارس بود. به این جهت مدرسی این چینی به سرعت با کمبود بودجه اساسی روبرو می‌شدند (ساکما، ۲۹۷/۱۴۵۱۷، ۳). بیشتر هزینه‌های تحصیل می‌بایست از سوی دانش‌آموزان تأمین و در صورت اثبات عدم توانایی افراد بی‌بضاعت، هزینه تحصیل آنان رایگان می‌گردید (همان، س ۳، ش ۵۹، ۴). تا سال ۱۳۱۶ دوره اول متوسطه در دبیرستان‌های پهلوی و ایرانشهر، جم، شهاب، ملی شاهپور، ملی شبانه، شاهپور و ملی سعادت برقرار گردید و دوره دوم متوسطه، تنها دو شعبه ادبی و علمی دانش‌آموز می‌پذیرفت. (بیداری، س ۸، ش ۱۶، ۳). کمبود بودجه سبب گردید تنها در سال‌های پایانی این دوران دوره دوم متوسطه دارای ۴ شعبه ادبی، ریاضی، طبیعی و بازرگانی گردد (بیداری، س ۱۰، ش ۴۴، ۲).

توجه به مقطع متوسطه برای بانوان از ابتدای نیمه دوم پهلوی اول مورد توجه معارف پروران قرار گرفت. آنان در نظر داشتند در بودجه سال ۱۳۱۱ مبالغی جهت تأسیس

مدارس متوسطه منظور دارند تا بتوانند از فارغ التحصیلان این مقطع جهت تدریس در مقطع ابتدایی استفاده کنند هر چند مشکلات مالی و بی‌توجهی به نیازهای مالی کرمان از سوی مرکز این خواسته را در آن زمان عملی نکرد (بیداری، س ۲، ش ۲۷ - ۲۶، ۱). هرچند با توسعه مدارس متوسطه این خواسته چندان عملی نشد. رویکرد اجتماعی به تحصیل بانوان و شهریه بالای تحصیل در دوران متوسطه تعداد محدودی از دانش‌آموزان دختر را برای تحصیل در مقطع متوسطه ترغیب می‌کرد. در سال ۱۳۱۷ تعداد شرکت‌کنندگان امتحان نهایی دوره پایانی ابتدایی ۲۶۷ نفر بود. اما در همین سال در دوره دوم دبیرستان دختران تنها ۱۵ نفر داوطلب بودند (بیداری، س ۸، ش ۱۶، ۳).

در سال ۱۳۲۰ تنها ۵۳ دانش‌آموز دختر برای ادامه تحصیل در مقطع متوسطه متقاضی بودند (بیداری، س ۱۱، ش ۵، ۱). این میزان متقاضی برای دوره‌های بالاتر کمتر می‌گردید. در سال ۱۳۲۰ ش از سه دبیرستان دخترانه، ۵۳ نفر برای امتحان در پایان مقطع اول متوسطه حاضر شدند. و در این میان در مقطع دوره دوم متوسطه در گرایش اختصاصی (خانه‌داری) ۶ نفر داوطلب شدند (بیداری، س ۱۱، ش ۷، ۱). مجموع امتحان‌دهندگان دبیرستان‌ها برای دوره دوم متوسطه از دو دبیرستان ۱۵ نفر بود (بیداری، س ۸، ش ۱۶، ۳).

به‌طور کلی توجه به تحصیل عالی بانوان پس از مسأله کشف حجاب بیش از سابق گردید. در حقیقت با اجرای این سیاست دولت به نوعی مجبور به افزایش منابع مالی مدارس بانوان گردید. جدیت دولت در این زمینه سبب شد در سال ۱۳۱۵ در محله تکیه گل‌باز خان در مدتی کمتر از یک سال بنای یک عمارت دبیرستان برای بانوان مهیا گردد (همان، س ۷، ش ۷، ۴). ساخت دبیرستان برای بانوان تا سال ۱۳۱۹ هم چنان ادامه داشت. در این سال دبیرستان دوشیزگان افتتاح گردید (بیداری، س ۱۰، ش ۳۴، ۱).

در این دوران دبیرستان‌های مختلفی تحت نظر برخی مؤسسات و ادارات دولتی برای تکمیل کادر اداری خود تشکیل گردید. این مدارس به جهت مشکلات مالی ادارات و عدم حمایت دولت در کرمان مورد توجه قرار نگرفت. تنها در سال ۱۳۲۰ ش بود که دبیرستان کشاورزی تشکیل گردید. در سال ۱۳۲۰ دبیرستان کشاورزی تحت نظارت اداره امور کشاورزی آغاز به کار کرد و داوطلبان می‌بایست به اداره امور کشاورزی مراجعه می‌کردند (بیداری، س ۱۱، ش ۸، ۱).



از دیگر دبیرستان‌های کرمان می‌توان به دبیرستان اکابر که در سال ۱۳۱۵ تأسیس گردید، اشاره کرد. دبیرستان شبانه شاپور بیش از نود دانش‌آموز داشت. این دبیرستان نیز از بدو تشکیل با کمبود بودجه مواجه بود علی‌رغم اینکه از دانش‌آموزان شهریه می‌گرفت و مدیر آن به تعطیل شدن آن در صورت عدم حمایت دولت اشاره کرده بود (بیداری، س ۷، ش ۴، ۱؛ س ۷، ش ۲۳، ۱).

#### دانشسرا

هر چند تشکیل دانشسرا برای تربیت معلمان از اواخر دوران قاجار شکل گرفت و با تشکیل دانشسرای عالی در سال ۱۲۹۸ ش نخستین مرکز بزرگ و مهم تربیت معلمان برای مقاطع تحصیلی شروع به کار کرد، اما توسعه و گسترش چنین مراکزی در دوره پهلوی اول اتفاق افتاد. توجه ویژه حکومت به تغییر بنیادین در آموزش و پرورش و نیاز شدید حکومت به تربیت دبیران سبب توجه هر چه بیشتر دولت به این امر شد. از سوی دیگر می‌بایست به این نکته توجه داشت که نیاز حکومت به توسعه دیوان سالاری برای سپردن مشاغل اداری نیازمند تربیت جوانانی تحصیل کرده بود. لزوم همین نگاه توجه به مسأله آموزش و پرورش و توسعه مراکز دانشسرا را دو چندان نمود. تا نیمه نخست سلطنت پهلوی اول توجه چندانی برای تأسیس دانشسرا صورت نگرفت. حتی تلاش‌های نخستین در این زمینه در سال ۱۳۰۵ شکست خورد (صدیق، ۱۵۴). با تدوین قانون تعلیم و تربیت در سال ۱۳۱۲ در مورد لزوم توجه به تشکیل دانشسرای مقدماتی تا سال ۱۳۲۰ ش سی و شش دانشسرای مقدماتی در سراسر کشور تشکیل گردید (آوری، ۳۶/۲).

کمبود اعتبار در دهه اول این دوران سبب غفلت از پرورش معلمان گردید. لزوم اخذ مدرک حداقلی سیکل اول متوسطه برای معلمان که با مدرک کمتر از آن به تدریس مشغول بودند، رئیس معارف وقت کرمان را بر آن داشت بدون بودجه دولتی و با حمایت معارف دوستان یک دارالمعلمین اکابر شبانه در محل کتابخانه معارف تأسیس نماید (بیداری، س ۲، ش ۲۳، ۱) این دارالمعلمین ماهیانه سیصد تومان مخارج داشت که به همت معارف دوستان تأمین گردید. وزارت معارف هیچ بودجه‌ای برای آن منظور ننمود (بیداری، س ۲، ش ۳۷-۳۸، ۳). لزوم ارتقای سطح دانش آموزگاران دوران ابتدایی سبب گردید وزارت معارف به تقلید از الگوی معارف کرمان در سال ۱۳۱۳ ش لایحه تربیت معلم را با هدف بهبود در کیفیت تدریس آموزگاران ابتدایی تصویب نماید. با

این قانون همه آموزگاران دوره ابتدایی دولتی می‌بایست این دوره را طی می‌کردند (کرونین، ۱۹۱).

با تشکیل دانشسرای مقدماتی در کرمان و رویه دولت در ترغیب دانش‌آموزان دوره اول متوسطه برای ورود به این مراکز روزنامه بیداری با حمایت از این سیاست دولت به لزوم توجه به این گونه مراکز تأکید و دانش‌آموزان را با بیان مزایای مادی و معنوی آن ترغیب به ورود به دانشسرا می‌نمود (بیداری، س ۸، ش ۱۵، ۱). کمبود معلم در این زمان و علاقه‌مند کردن محصلان مقاطع متوسطه برای ورود به دانشسرای مقدماتی سبب گردید دولت با تصویب یک لایحه در مجلس امتیازهایی به محصلان دانشسرای مقدماتی و عالی قائل گردد و به آنها پایه‌های تشویقی مطابق با قوانین استخدامی در نظر بگیرد (بیداری، س ۸، ش ۲۴، ۴). کمبود معلم و نیاز به تشویق دانش‌آموزان برای ورود به دانشسرای مقدماتی تا سال ۱۳۱۹ ش هم چنان ادامه داشت. در یکی از مقالات در این زمینه آمده «دانش‌آموز دانا و نیکبخت دانشسرا را ترجیح می‌دهد» (بیداری، س ۱۰، ش ۱۹، ۴). یکی از نکات مهم در ترغیب دانش‌آموزان برای ورود به دانشسرا، تحصیل در دبیرستان شاپور بود. این دبیرستان در حقیقت به نوعی زیر مجموعه دانشسرا به حساب می‌آمد. دانش‌آموزان این دبیرستان می‌توانستند با تعهد دادن به این که پس از اتمام دوران متوسطه به دانشسرا رفته و معلم شوند، از شهریه دادن معاف شوند (همان، س ۸، ش ۲۱، ۴).

دانشسرای مقدماتی کرمان در روز ۱۵ مهر ماه ۱۳۱۴ در زمان مدیریت مایل توسیرکائی تشکیل و با خریدن یک عمارت عالی در سال بعد برای آن، دانشسرا به مکان جدید منتقل گردید و وزارت معارف دستوراتی بابت احیای عمارت تازه خریداری شده به معارف کرمان صادر نمود (ساکما، ۲۹۷/۳۷۶۹۸، ۴). در سال ۱۳۱۵ دانشسرای مقدماتی بانوان در قسمتی از دبیرستان پهلوی نیز آغاز به کار نمود (بیداری، س ۸، ش ۲، ۴).

با تشکیل دانشسراهای مقدماتی در کرمان در سال ۱۳۱۸ مشکل کمبود دبیران تا حدود بسیاری برطرف گردید. در این دانشسرا، علاوه بر تحصیل سخنرانی‌های متعددی در موضوعات مختلف ادبی، ساختار علمی دانشسرا، مشکلات معلمان، کمبود تعداد معلمان، اساتید و تشکیلات دانشجویان و طرز تحصیل آنان برگزار می‌گردید (همان، س ۹، ش ۵۲، ۱-۲).

### کمبود بودجه و تأثیرات آن

کمبود بودجه و توجه نه چندان مناسب در این زمینه به شهرها و ایالات دوردستی هم چون کرمان یکی از مهم‌ترین عوامل در عدم توسعه نظام آموزشی این مناطق بود. با توجه به نوپایی ساختار جدید آموزشی و نیاز شدید کشور به توسعه ساختار جدید، رویکرد نامناسب گذشته به امر آموزش سبب گردید از ابتدای سال ۱۳۰۰ ش که اراده دولت در گسترش معارف قرار گرفت کمبود بودجه و محدود بودن منابع مالی اختصاص یافته به عنوان مهم‌ترین مشکل در ایالت و به تبع آن شهر کرمان محسوب گردد. بسیاری از مدارس غیر دولتی با بودجه زمین‌های وقفی مرتبط با خود اداره می‌شدند. تسلط دولت بر اوقاف و تعیین سیاست‌های جدید بر نحوه مصرف درآمدهای آن سبب گردید برخی مدارس نتوانند از درآمدهای سابق خود به طور کامل استفاده کنند. نتیجه چنین سیاست‌هایی ایجاد مشکلات مالی برای مدارس ملی بود. این موضوع گاه اسباب واکنش اداره معارف کرمان می‌گردید. زیرا مطابق با قوانین تمرکزگرایانه جدید اداره معارف شهرها بر امور کلی مدارس ملی نیز نظارت داشتند و می‌بایست کاستی‌های آنان را مرتفع می‌کردند (ساکما، ۲۹۷/۲۴۳۶۷، ۲).

کمبود بودجه اختصاص یافته به اداره ایالتی معارف کرمان در سال ۱۳۰۵ اسباب نارضایتی را فراهم نمود و در نامه رئیس معارف کرمان به وزیر معارف بودجه مربوطه به جهت نوپایی ساختار جدید آموزشی در کرمان ناکافی عنوان گردید (۲۹۷/۳۲۹۰۵، ۷). این بی‌توجهی به مشکلات مالی از سوی مرکز در بودجه سال بعد نیز تکرار شد به طوری که در بودجه سال ۱۳۰۶ هیچ افزایش اعتباری نسبت به سال قبل در نظر گرفته نشد. کمبود بودجه در این سال حتی مانع تکمیل ساختار اداری معارف شهر کرمان شد. کمبود نیروی لازم برای امور اداری و بایگانی در کنار کمبود معلم سبب شد در شهر کرمان چند کلاس با یکدیگر اداره گردند (ساکما، ۲۹۷/۲۴۳۷۰، ۴). رویکرد مرکز در این زمینه سبب گردید کاظمی، والی وقت کرمان، از وزارت معارف درخواست افزایش بودجه کند. او در گزارش خود پیشرفت امر معارف در کرمان را عقب مانده‌تر از سایر نقاط ایران دانست و درخواست اختصاص بودجه برای توسعه ساختار مدارس و گسترش کمی و کیفی آن را نمود (ساکما، ۲۹۷/۳۴۰۲۳، ۳).

بی‌توجهی مرکز به اختصاص بودجه لازم برای امور معارف سبب گردید در سال ۱۳۰۹ روزنامه بیداری به عنوان مهم‌ترین حامی توسعه معارف در این ایالت به این

موضوع واکنش نشان دهد. از نظر نویسندگان روزنامه، بی‌توجهی به ایالت کرمان که از جهات وسعت و استعداد دست کمی از سایر ایالات مهم ندارد از زمان مشروطه وجود داشته و پیامد آن اختصاص بودجه نامناسب به خصوص در حوزه معارف به این ایالت بوده است. آنان هم چنین از مسافرت نکردن شاه به این ایالت که می‌توانست عامل مهمی در توجه به این ایالت و افزایش بودجه گردد گلایه‌های خود را ابراز داشتند (بیداری، س ۲، ش ۵۶، ۱).

در سال ۱۳۱۱ش وزارت معارف هیچ افزایش بودجه‌ای برای معارف کرمان اختصاص نداد و این موضوع تأثیر مهمی در عدم توسعه ساختار معارفی ایالت کرمان و به تبع آن شهر کرمان داشت. این کمبود بودجه در عدم توسعه دو مقطع متوسطه در شهر کرمان تأثیر بسیاری داشت. اداره ایالتی معارف از وزارت مربوطه خواستار افزایش بودجه در سال آینده گردید (بیداری، س ۳، ش ۱۰۹). کمبود بودجه برای تأسیس مدارس دولتی در سال ۱۳۱۱ش در بودجه سالیانه مشهود بود به طوری که برای سال آینده در زمینه ساخت مدارس تنها به ایجاد پنج مدرسه در ایالت بزرگ کرمان اختصاص یافت. بی‌توجهی به افزایش بودجه در این زمان سبب شد با دفتر مخصوص شاه نیز مکاتبه شود و در باره حل این مشکل کمک خواسته شود (ساکما، ۲۹۷/۲۵۶۰۳، ۹). بی‌توجهی به افزایش بودجه در سال ۱۳۱۲ش سبب گردید نمایندگان معارف کرمان در نامه‌ای به وزیر معارف از کمبود بودجه و عدم تحقق وعده‌های سه ساله در افزایش آن گلایه کنند. اختصاص بودجه در نظر گرفته شده برای رفع مشکلات مالی معارف کرمان در هیئت دولت در این سال با نظر کفیل وقت وزارت معارف به ایالت دیگری اختصاص یافت و این موضوع سبب واکنش شدید نمایندگان معارف کرمان گردید. آنان احتیاج معارف کرمان برای مبلغ در نظر گرفته شده را بیش از سایر نقاط دانستند. ناراحتی این نمایندگان به حدی بود که به طور کنایه پیشرفت فعلی مدارس کرمان در هر دو مقطع را به بودجه‌های اختصاص یافته از مرکز ندانستند بلکه پیشرفت موجود را به تلاش‌های حسین جودت رئیس معارف ایالت مرتبط دانستند (بیداری، س ۳، ش ۵۰، ۱).

کمبود بودجه و توجه نه چندان مناسب دولت به مدارس ملی گاه موجب تعطیلی این مدارس می‌شد. برخی دبستان‌های ملی چون تاج آباد، خانوک و نصرت آباد به جهت نداشتن عایدی در سال ۱۳۱۳ منحل اعلام شدند و برخی نیز در صدد چنین پیامدهایی بودند (ساکما، ۲۹۷/۲۴۰۷۶).

### کمبود مدارس

کمبود بودجه و بی‌توجهی دولت به مناطق دورافتاده، از جمله مهم‌ترین عوامل ساخته نشدن مدارس در نقاط مختلف کشور بود. چنین رویه‌ای سبب دور ماندن بسیاری از دانش‌آموزان از امر تحصیل می‌گردید. از سوی دیگر اغلب مدارس موجود در کشور نیز در ساختمان‌های استیجاری و اغلب فاقد اتاق‌های مطلوب برای تعداد زیادی از دانش‌آموزان بودند (صدیقی، ۱۶۰). هر چند روزنامه‌های این دوره مهم‌ترین رسالت خود را دفاع از دیدگاه‌ها و اقدام‌های دولت می‌دانستند (صنعتی زاده، ۳۱۹) اما توجه روزنامه‌بیداری به توسعه معارف به قدری بود که مقالات متعددی در انتقاد از بی‌توجهی دولت در کمبود ساختمان مدارس می‌نوشت (بیداری، س ۱، ش ۴۵، ۲؛ همان، س ۸، ش ۱۴، ۳). کمبود مدارس نه تنها در شهر کرمان بلکه در روستاهای اطراف کرمان نیز متداول بود. ۱۶ روستای تهرود در نزدیکی کرمان علی‌رغم جمعیت بسیار تا سال ۱۳۱۲ فاقد هیچ مدرسه‌ای بود (بیداری، س ۴، ش ۵، ۲).

رویکرد دولت در توسعه مدارس متوسطه که از نیمه دوم این دوران بیشتر شد، با کمبود و عدم مدارس مناسب برای این مقطع تحصیلی را دچار اشکال کرد. مشکل کمبود مدارس به‌خصوص در مقطع متوسطه به بالا در مناطق اطراف کرمان هم مشهود بود. این موضوع با توجه به رغبت مردم برای ادامه تحصیل فرزندانشان چنان مشهود گردید که مشکلات بسیاری را سبب شد (همان، س ۳، ش ۵۶، ۱). نبود مدارس متوسطه در اطراف و روستاهای مجاور کرمان، با آمدن دانش‌آموزان علاقه‌مند به تحصیل در این مقطع مشکلات موجود از جهت نبود مدارس در شهر کرمان را دوچندان نمود (همان، س ۴، ش ۷، ۳).

لزوم سرمایه‌گذاری کلان دولت در این مورد و کمبود بودجه در این زمینه سبب شد کمبود ساختمان‌های لازم برای مدارس از طریق مشارکت خیرین جبران شود. حامیان گسترش معارف با اهداء زمین به دولت و یا از طریق ساخت مدارس ملی چنین مشکلاتی را مرتفع می‌کردند. چنین رویه‌ای تا سال‌های پایانی این دوران هم چنان ادامه داشت. هرچند دولت در ساخت مدارس ملی و یا مدرسی که با حمایت‌های خیرین ساخته و در اختیار اداره معارف قرار می‌گرفت به صورت مستقیم و غیر مستقیم کمک‌هایی می‌کرد. بسیاری از این مدارس برای تداوم و بقاء خود در زمینه‌های بودجه و امکانات و کمبود معلم نیازمند حمایت‌های دولت بودند. بر این اساس عدم تخصیص اعتبارات لازم برای

ایجاد ساختمان جهت مدارس از جمله مهم‌ترین مشکلات معارف ایالت و شهر کرمان در طول دوران سلطنت پهلوی اول بود. بسیاری از مدارس کرمان تا پایان این دوران همچنان در محل‌های استیجاری قرار داشتند.

کمبودهای لازم در این زمینه و عدم توجه دولت در حل مشکلات موجود افراد و گروه‌های غیر دولتی را به روش‌های مختلف وارد ساختن مدارس در کرمان نمود. در ابتدای ترویج ساختار جدید نهاد آموزشی صاحبان برخی از مدارس سنتی مجبور شدند با هزینه‌های خود مکتب‌خانه‌ها را به مدارس تبدیل کنند (بیداری، س ۱، ش ۶۶، ۳).

ایجاد مدارس ملی توسط افراد با اهداف مختلف از دیگر راه‌های جبران کمبود مدارس بود. افزایش متقاضیان تحصیل و کمبود مدارس بسیاری از افراد را ترغیب به توسعه مدارس ملی نمود. برخی از بنیان این گونه مدارس تنها به جهت حمایت از دانش‌آموزان بی‌بضاعت به ساختن مدارس روی می‌آوردند و هیچ‌گونه منافع شخصی را در نظر نداشتند. خدمات رسانی به این دانش‌آموزان و مراقبت شدید تحصیلی از آنان از مهم‌ترین اهداف بنیان این مدارس بود. دبستان سعید پس از ساخته شدن در سال ۱۳۱۶ چنین رویکردی را دنبال می‌کرد. در اطلاعیه این مدرسه از اولویت ثبت نام برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت نسبت به سایرین سخن به میان آمده است (همان، س ۱۰، ش ۲۷، ۱).

توجه به سنت وقف و استفاده از عواید موقوفات قدیمی در جهت ایجاد مدارس از دیگر تلاش‌های صورت گرفته در جهت مقابله با کمبود مدارس و ساختمان‌های آن بود. از سال ۱۲۹۰ ش به بعد به تدریج قوانینی برای تسلط وزارت معارف بر امور اوقاف وضع گردید (خلیلی‌خو، ۱۵۸). در سال ۱۳۱۲ با تصویب قوانین جدید دیگر در این زمینه اقتدار دولت و وزارت معارف بر اداره امور اوقاف و رویکرد موقوفات به مسائل و مشکلات معارفی بیش از پیش گردید (قوانین و مصوبات دوره نهم، ۲۸۳-۲۸۶). مدارس متعددی در شهر کرمان در نیمه اول این دوران بر اساس رویکرد وقفی تأسیس شدند (بیداری، س ۳، ش ۱۷، ۳). در سال ۱۳۱۲ با تصویب برخی از قوانین در مورد استفاده از موقوفاتی که محل مصرف آنها به درستی مشخص نبود، مقداری از درآمدهای آنها به امور مدارس اختصاص یافت و همچنین مقداری از پول‌های موقوفات مدارس پرآمد به مدارس کم درآمد اختصاص یافت و از این طریق در کرمان نیز مدارسی ساخته شد (بیداری، س ۳، ش ۵۶، ۴). این رویه توانست تا حدودی کمبود بودجه لازم برای

توسعه مدارس را مرتفع نماید. استفاده از زمین‌های وقفی به منظور توسعه ساختمان مدارس از دیگر اقدام‌های صورت گرفته در این زمان بود. تعدادی از مدارس دولتی در زمین‌های وقفی بنا گردید. دبستان دولتی باغ سرآسیاب که در سال ۱۳۰۶ ش تأسیس شد از این دست مدارس بود. دبستان مریمیه در سال ۱۳۱۶ از محل موقوفات مریم بیگم تأسیس و تا سال ۱۳۱۹ از محل همین موقوفات اداره می‌شد (روح الامینی و دیگران، ۲/ ۲۵۳، ۳۱۴). مدرسه ملی سعادت که ساخت و بودجه آن از موقوفه ابراهیم خان ظهیرالدوله تأمین می‌گردید از دیگر مدارس این دوران با رویکرد وقف بود (همان، ۵۱۲).

عدم توجه دولت به ساخت مدارس در روستاهای بزرگ و نزدیک کرمان از دیگر مشکلات این زمان بود. در برخی از روستاها علاقه ورود دانش‌آموزان به مدارس به حدی بود که به شدت کمبود مدرسه احساس می‌گردید (بیداری، س ۳، ش ۵۱، ۳). کمبود مدرسه و علاقه مردم به فرستادن کودکان خود به مدرسه به حدی بود که افراد روستای بهرام جرد در نزدیکی کرمان در یک عریضه به دفتر مخصوص شاه به بی‌توجهی دولت در ساخت مدرسه انتقاد و از شاه درخواست نمایند تا با دستور مستقیم خود دولت را مجبور به ساخت مدرسه نماید (همان، س ۳، ش ۳۷، ۳).

کمبودهای موجود در کنار علاقه مردم به تأسیس مدارس در روستاها سبب توجه بسیار علاقه‌مندان به توسعه مدارس در این مناطق در طول دوران پهلوی اول گردید. در سال ۱۳۱۲ کمبود مدرسه در منطقه باغین در نزدیکی کرمان سبب گردید مالکین زمین دار آنجا به کمک مردم مدرسه‌ای بسازند (بیداری، س ۳، ش ۱۷، ۹). در برخی موارد دولت نیز به صورت مستقیم در ساخت این گونه مدارس مشارکت داشت. در محله قناتغستان زمینی به اداره فرهنگ برای ساخت مدرسه واگذار و اداره فرهنگ کرمان نیز به سرعت به ساخت بنای مدرسه پرداخت (بیداری، س ۹، ش ۹۶، ۱).

آقای امیرابراهیمی، نماینده کرمان که زمین‌های زراعی در روستاهای نزدیک اطراف کرمان به خصوص در منطقه اختیارآباد داشت، با توجه به علاقه شخصی در سال ۱۳۰۹ ش زمین بزرگی برای ساخت مدرسه و مبلغ پانصد تومان برای ساخت بنای مدرسه در روستای اختیارآباد اختصاص داد. وزارت معارف با تلاش نماینده مذکور برای اداره این مدرسه ماهانه مبلغ ۴۷ تومان در بودجه معارف کرمان منظور نمود (ساکما، ۲۸۸۶۲/۰۲۹۷، ۲). توجه به ساخت مدارس از سوی خیرین در این دوران به حدی

بود که مدیر روزنامه بیداری ضمن بیان خدمات آنان در ترویج معارف از آنان خواست در ساخت مدارس به شرایط آب و هوایی در معماری مدارس توجه کنند، به خصوص آن که کلاس‌ها برای حفظ بهداشت عمومی رو به آفتاب ساخته شوند (همان، س ۵، ش ۱۹، ۳).

با توجه به سیاست تمرکزگرایانه دولت، لزوم تدوین یک کتابچه جامع از بررسی وضعیت آموزشی ایالت کرمان با ذکر جزئیات در سال ۱۳۱۴ صادر گردید (ساکما، ۳۱۵۰۷ / ۲۹۷، ۲). در گزارش جامع سی و چهار صفحه‌ای معارف کرمان کاستی‌های موجود در رابطه با کمبود بودجه بیان گردید (ساکما، ۲۲۷۷۰ / ۲۹۷، ۴).

کمبود بودجه علاوه بر تأثیر مستقیم در تعداد کمی مدارس در مقاطع مختلف در بی‌توجهی به تأسیس مدارس صنعتی نیز مشهود بود. این‌گونه مدارس با توجه به دروس عملی آنها مستلزم هزینه‌های بیشتر می‌بود. نویسندگان روزنامه بیداری به درستی در چند مقاله همانند عیسی صدیق که در رساله دکتری خود در سال ۱۳۰۹ ش به آن اشاره کرده است (صدیق، ۱۳۴) معتقد بودند مهم‌ترین ضعف ساختار آموزشی مدارس ایران بی‌توجهی به تربیت عملی دانش‌آموزان است آنان به درستی معتقد بودند به جای نیمی از درس‌های موجود که تنها قوه حافظه دانش‌آموزان را بالا برده و فکر آنها را تنها برای رسیدن به مشاغل دولتی تربیت می‌نمود، می‌توان دروس عملی قرار داد و از طریق ایجاد مدارس و دروس صنعتی همچون مکانیکی و نجاری و آهنگری و... به پرورش خلاقیت عملی دانش‌آموزان کمک کرد. کمبود شدید ابزار برای آزمایشگاه‌ها در مدارس و گاه نبود آزمایشگاه در مدارس کرمان، آنها را از حداقل توجه به دروس عملی باز می‌داشت (بیداری، س ۴، ش ۷، ۲).

### کمبود معلم و حقوق آنها

از جمله ضعف‌های اساسی ساختار آموزشی این دوره که ارتباط مستقیمی با میزان بودجه اختصاص یافته از سوی دولت داشت، حقوق اندک معلمان بود. بسیاری از مشاغل خدماتی دولت از جمله مستخدمین ادارات حقوقی به مراتب بیشتر از معلمان داشتند. این موضوع پیامدهای نامطلوبی را برای توسعه کیفی نظام آموزشی کشور به همراه داشت. بر این اساس میل چندانی از سوی تحصیل‌کردگان برای ورود به عرصه آموزگاری وجود نداشت. بیشتر کسانی که وارد این عرصه می‌شدند کسانی بودند که در هیچ یک از مشاغل دولتی پذیرفته نشده و به اجبار این عرصه را برمی‌گزیدند. در نیمه



نخست دوران پهلوی اول افراد با داشتن حداقل تحصیلات لازم می‌توانستند به عنوان معلم در مدارس خدمت کنند. برای تدریس در چهار مقطع ابتدایی داشتن گواهی دوره ابتدایی و گواهی اول متوسطه برای تدریس در مقاطع پنجم و ششم ابتدایی لازم بود (صدیق، ۱۵۳). چنین رویکردی از همان ابتدا نشان از توجه نه چندان شایسته دولت به امر آموزش به خصوص در مقاطع ابتدایی بود. کمبود بودجه و عدم توجه دولت در این زمینه پیامدهای نامناسبی در شهرهای مختلف و از جمله مناطق دورافتاده‌ای همچون ایالت و شهر کرمان به همراه داشت و یکی از دلایل مهم در کمبود تعداد آموزگاران در کرمان محسوب می‌گردد زیرا کمبود حقوق اساساً رغبتی برای ورود افراد تحصیل کرده به این حرفه ایجاد نمی‌کرد (بیداری، س ۳، ش ۵۰، ۱). روزنامه بیداری در تحلیل حقوق پایین آموزگاران به نسبت پیشخدمت‌های سایر مشاغل دولتی آن را مایه شرمساری می‌دانست (بیداری، س ۲، ش ۶۱، ۱) و معتقد بود پیامد چنین رویکردی ورود افراد ناتوان و فرسوده به ساختار آموزشی کشور است. این رویکرد نه تنها انقلابی در امر آموزش ایجاد نمی‌نمود بلکه ضربات ویرانگری نیز به کیفیت نظام آموزشی به خصوص در مقطع با اهمیت ابتدایی وارد می‌کرد (بیداری، س ۲، ش ۱۵-۱۴، ۱). از آنجایی که بیشتر دانش‌آموزان در مناطق دور افتاده به خصوص در کرمان به دلایل مختلف، از جمله مسائل مالی، قادر به ادامه تحصیل در دوران متوسطه نبودند، پایین بودن حقوق آموزگاران در کارایی آنان تأثیر بسیاری می‌نهاد و دانش‌آموزان که تنها در این مقطع قادر به تحصیل بودند از کیفیت لازم از تنها دوران تحصیلی خود بهره‌ای نمی‌گرفتند (بیداری، س ۱، ش ۳۲، ۳). از نظر نویسندگان این روزنامه تنها راه برون رفت از وضعیت چنین معلمانی تعطیلی چند ساله نظام آموزشی و تربیت معلمان قابل با حقوق مکفی در این زمینه بود تا هم کمبود معلم جبران و هم کیفیت تدریس آنان افزایش یابد (بیداری، س ۳، ش ۴۵، ۱).

جمعیت معارف کرمان که در سال ۱۳۰۵ تشکیل گردید از همان سال تلاش‌های بسیاری برای رفع کمبود آموزگار که از جمله مهم‌ترین مشکلات آموزشی محسوب می‌گردید، انجام می‌داد. دورافتادگی ایالت کرمان از مرکز و لزوم انتخاب آموزگار از سوی وزارت معارف برای شهرها، با توجه به حقوق پایین سبب می‌گردید، افرادی کمی راضی به آمدن به این منطقه گردند و گاه برخی از آنان پس از مدتی اقامت راضی به ماندن در کرمان نمی‌شدند. به همین منظور و جهت رفع چنین مشکلاتی جمعیت معارف

کرمان چندین مکاتبه با وزارت معارف انجام داد (ساکما، ۲۹۷/۱۷۴۲۷، ۴؛ ۲۹۷/۱۷۴۲۷، ۲). این موضع حتی سبب شد آموزگاران مورد نظر و توانا برای مقاطع متوسطه که مورد درخواست معارف کرمان بود از سوی مرکز تأمین نگردد و علت آن نیز به عدم افزایش بودجه مورد نظر در سال ۱۳۱۲ مرتبط گردد (ساکما، ۲۵۶۰۳/۲۹۷).

شیوه استخدام معلم به دو صورت قراردادی و رسمی بود. حقوق آموزگاران رسمی که تعداد بسیار کمتری را به نسبت آموزگاران قراردادی شامل می‌شدند بستگی به سطح سواد و تحصیلات داشت (ساکما، ۹۹/۲۹۷/۱۱۸۸، ۷). از جمله مهم‌ترین مشکلات آموزگاران قراردادی که در کرمان نیز بازتاب فراوان داشت، حقوق نامناسب و پایین آنها و همین‌طور به توجهی به مسائل مربوط به دوران بیماری آنها بود که عملاً حقوقی دریافت نمی‌کردند (ساکما، ۹۹/۲۹۷/۱۵۵، ۳؛ ۹۹/۲۹۷/۹۹۴، ۳).

کمبود آموزگار به‌خصوص برای بانوان از دیگر کاستی‌های نظام آموزشی این دوران بود. این موضوع سبب می‌گردید بانوانی با داشتن حداقل مدرک تحصیلی از سوی وزارت معارف برای مدارس بانوان کرمان انتخاب گردند (ساکما، ۲۹۷/۲۴۳۸۰، ۲). درخواست‌های مکرر اداره ایالتی کرمان به وزارت معارف در خصوص فرستادن چند آموزگار زن برای مدارس کرمان و عدم اختصاص بودجه لازم از سوی وزارت معارف سبب شد اداره ایالتی معارف کرمان از وزارت معارف بخواهد که خود آنها در صورت پذیرش وزارت خانه مزبور اقدام به انتخاب آموزگار نمایند و بودجه لازم را به طریق دیگری تأمین کنند (ساکما، ۲۹۷/۲۴۴۰۹، ۲).

سیاست وزارت معارف در توسعه مدارس متوسطه از نیمه دوم دوران پهلوی اول، لزوم رفع کمبود آموزگار را دوچندان نمود. نیاز به آموزگاران با داشتن حداقل مدرک دیپلم برای تدریس در مقطع متوسطه و کمبود شدید مشکلات موجود را دوچندان می‌کرد. برای رفع چنین مشکلی آن هم به صورت موقت قرار شد در شهر کرمان آموزگاران دارای مدرک نخست متوسطه پس از شرکت و قبولی در یک آزمون برای تدریس در مقطع متوسطه انتخاب گردند، اما تعداد کمی از شرکت‌کنندگان موفق به کسب نمره قبولی شدند. بر این اساس کمبود آموزگار در دوران متوسطه از مهم‌ترین کاستی‌های این دوران بود (بیداری، س ۳، ش ۶۱، ۱).

با توسعه مقطع دوم متوسطه این کمبود بیشتر احساس گردید زیرا آموزگاران می‌بایست حداقل مدرک دیپلم می‌داشتند. کمبود آموزگار در این زمینه سبب شد بیشتر آموزگاران این مقطع از پایتخت انتخاب و فرستاده شوند (بیداری، س ۷، ش ۲۳، ۴). در دروس عملی مثل نقاشی و ورزش نیز کمبود معلم بسیار محسوس بود و درخواست های مکرری از مرکز در این زمینه صورت گرفت (ساکما، ۵/۲۹۷/۵۹۸۰، ۵).

#### نبود امکانات آموزشی - بهداشتی در مدارس

کمبود امکانات آموزشی از جمله کتابخانه، آزمایشگاه و کمبود معلم جهت تدریس در آزمایشگاه از جمله مهم‌ترین مسائل آموزشی در کل کشور بود. رویکرد اغلب مدیران وزارت معارف بر کمی‌گرایی در مقابل کیفیت بود (صدیق، ۱۵۹-۱۶۰). کمبود شدید ابزار مورد نیاز در آزمایشگاه جهت دروس مرتبط و نبود محیط آزمایشگاه در بیشتر مدارس شهر کرمان سبب می‌گردید که دانش‌آموزان هیچ‌گاه با مفاهیم دروس عملی آشنا نباشند (بیداری، س ۴، ش ۷، ۲). هرچند در شهرهای بزرگ از نیمه دوم این دوران سیاست معارفی بر این اصل قرار داشت که یک مدرسه با امکانات به نسبت کامل تشکیل گردد و حتی به سالن‌های کنفرانس جهت برپایی جلسات سخنرانی مراسم مجهز گردد. دبیرستان پهلوی از این گونه مدارس بود. به طوری که امکانات آزمایشگاهی آن در سال ۱۳۱۴ ش برای دروس فیزیک و شیمی ۱۲۸ قلم ذکر شده است (ساکما، ۴/۲۹۷/۳۸۳۳۴). اما همان‌طور که آمد این گونه مدارس استثنا بودند و در شهری همانند کرمان تنها یک مدرسه با این وضعیت وجود داشت و سایر مدارس واکثریت دانش‌آموزان از چنین امکاناتی بی‌بهره بودند.

ضعف ساختار بهداشتی و لزوم بازرسی مسائل مربوط به برقراری اصول بهداشتی در مدارس و معاینه دانش‌آموزان از دیگر کاستی‌های مهم در ساختار آموزشی این دوران بود. توجه به مسائل بهداشتی مدارس در پایتخت و نظارت بر بهداشت مدارس و رسیدگی به بیماری‌های دانش‌آموزان بر عهده از سال ۱۳۰۸ ش آغاز گردید (صدیق، ۸۶). کمبود بودجه چنین امکانی را تا مدتها برای مراکز ایالاتی همچون کرمان فراهم نمود. دوری ایالت کرمان و حقوق کم در این زمینه نیز سبب گردید افراد با گرفتن دیپلم پزشکی از مرکز راضی به آمدن به کرمان نگردند. اداره ایالتی معارف کرمان برای حل مشکلات مرتبط با بهداشت دانش‌آموزان از وزارت معارف می‌خواهد با انتقال عیسی خان وزیری که مدت بسیاری در اداره‌های مختلف کرمان از جمله اداره صحیه و امنیه و راه و همین

طور در بیمارستان نوریه فعالیت داشته به عنوان پزشک اداره معارف کرمان موافقت و زمینه حضور او را در معارف کرمان مهیا نماید (ساکما، ۲۹۷/۲۱۰۴۳، ۴۳).

از دیگر مشکلات و کاستی‌های موجود در معارف کرمان که ارتباط مستقیمی با کمبود بودجه داشت و در گزارش مفصل سال ۱۳۱۲ از وضعیت مدارس به آنها اشاره شده، نواقصی همچون تعمیرات سالیانه تمامی مدارس متعلق به وزارت معارف، ساختمان‌های استیجاری و وسایل موجود آنها، تأمین آب آشامیدنی برای دانش‌آموزان و امکانات کلاس در زمینه‌های لابراتوار، کمبود بسیار کتاب در کتابخانه برای معلمان و دانش‌آموزان است. همچنین عدم رسیدگی به وضعیت سلامت دانش‌آموزان و سرکشی به حوزه‌های مختلف معارف، کمبود سوخت برای مصارف گرمایشی و ضعف در جذب نیروهای اداری و نیاز به یک دستگاه چاپ، همگی به جهت کمبود بودجه امکان اصلاح آنها مقدور دانسته نشده است (ساکما، ۲۹۷/۳۴۰۴۳، ۲؛ نک: پیوست‌های ۱ و ۲). کاستی‌های موجود برای مدارس روستایی دو چندان بود. هرچند در برخی از روستاها و مناطق اطراف کرمان سعی در تشکیل کلاس‌های دبستان دو یا سه کلاسه صورت می‌گرفت ولی به جهت کمبود امکانات آموزشی از جمله کتاب‌های درسی و حتی کمبود معلم، انتقاد به مسائل کیفی چنین مدرسی بسیار بود (بیداری، س ۲، ش ۶۶، ۳) کمبود بودجه و تشکیل نشدن مدارس شبانه‌روزی برای دانش‌آموزانی که در روستاها و شهرهای مجاور کرمان بودند از دیگر کاستی‌های این دوران بود. با تلاش مدیران روزنامه بیداری محلی برای اسکان این دانش‌آموزان علاقه‌مند مهیا گردید (بیداری، س ۳، ش ۵۶، ۱).

#### مدارس زرتشتی و مشکلات مالی آنها

سیاست تمرکزگرایی دولت و وضع قوانین جدید از سال ۱۳۰۶ ش موجب شد مدارس خارجی و اقلیت‌های مذهبی نیز از حیث برنامه‌های آموزشی تحت نظر وزارت فرهنگ قرار بگیرند (صدیق، ۳۵۰؛ ساتن، ۵۴). در سال ۱۳۱۸ ش قوانین سخت‌گیرانه‌ای بر این مدارس اعمال گردید و حتی به تعطیلی برخی از آنها منجر گشت (صفایی ۵۲-۵۳).

زرتشتیان کرمان از پیشگامان مهم مدرسه‌سازی بودند و نقش بسزایی در توسعه نظام آموزشی در کرمان داشتند. ریشه این تلاش آنها را باید در تعالیم دین زرتشتی و تأکید بر علم و دانش دانست (نقیبی، ۱۴۹). زرتشتیان تا پایان سلطنت پهلوی اول دو

دبیرستان دخترانه (کیخسرو شاهرخ) و پسرانه (ایران شهر) و دو دبستان (شهریاری) دخترانه و (کاویانی) پسرانه تأسیس نمودند که از هر کیش و نژادی در آن مشغول به تحصیل بودند. هزینه آن را انجمن زرتشتیان کرمان تقبل می نمودند (سروش سروشیان، ۹). مدارس زرتشتیان که از مدارس قدیمی و ملی کرمان محسوب می گشتند، همانند سایر مدارس ملی و مطابق با قوانین می بایست به صورت مستقیم و غیر مستقیم از حمایت های مالی دولت برخوردار می شدند. مطابق اسناد موجود بی توجهی دولت به اختصاص بودجه کافی برای رفع مشکلات آنها یکی از مهم ترین مشکلات مدارس آنان محسوب می گردید. نامه نگاری های مستقیم انجمن زرتشتیان در سال ۱۳۰۷ش به ارباب کیخسرو شاهرخ، نماینده متنفذ مجلس، سبب شد وزارت معارف دو سال بعد مبلغ پنجاه تومان کمک برای آنان منظور نماید (ساکما، ۲۹۷/۱۲۱۹۰). این وساطت همیشه مورد توجه وزارت قرار نمی گرفت به طوری که خواسته ارباب کیخسرو در افزایش بودجه در سال ۱۳۱۵ مورد پذیرش واقع نگردید (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۱۷).

کمبود معلم در سال ۱۳۰۸ سبب شد وزارت معارف با ایشان همراهی کند و چند معلم به صورت رایگان در اختیار مدارس آنان قرار دهد (ساکما، ۲۹۷/۲۳۸۸۸-۳، ۳). توسعه مدارس زرتشتیان و بی توجهی به مباحث مالی آنان از سوی دولت سبب گردید در سال ۱۳۱۲ نامه نگاری های متعددی میان انجمن زرتشتیان و وزارت معارف صورت گیرد، اما بی توجهی وزارت معارف در تعیین بودجه مناسب برای آنان تداوم یافت (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷). کمبود آموزگار از سال ۱۳۰۹ به عنوان یکی از مشکلات مهم مدارس زرتشتیان محسوب می گردید. در این سال با مساعدت رئیس وقت معارف کرمان بودجه پنجاه تومانی برای آنان منظور گردید. با توسعه مدارس مشکلات در این زمینه افزایش یافت. در اوایل سال ۱۳۱۲ش انجمن زرتشتیان کرمان در نامه ای به وزارت معارف اعلام می کند که با وجود یک باب مدرسه دخترانه و دو باب مدرسه پسرانه با تعداد ۶۳۸ نفر دانش آموز مسلمان و زرتشتی، کمبود بودجه برای تهیه آموزگار مورد نیاز سبب خواهد شد آنان مجبور به تعطیلی کلاس هفتم متوسطه گردند (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۱۸). مشکلات مدارس زرتشتیان با کمبود آموزگار در آبان ماه ۱۳۱۲ دو چندان گردید. با توجه به کمبود معلم در شهر کرمان اداره معارف کرمان به وزارت معارف اعلام می نماید با توجه به کمبود آموزگار، دیگر قادر به تأمین معلم برای مدارس زرتشتیان نخواهد بود. بر این اساس می بایست به افزایش بودجه آنان عنایت لازم بشود

(ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۲۴). مخالفت وزارت معارف در این زمینه و دستور به معارف کرمان برای تأمین آموزگاران مورد نیاز مدارس زرتشتی سبب عقب‌نشینی معارف کرمان گردید. هرچند متذکر شدند که به‌منظور افزایش تعداد دانش‌آموزان مقطع متوسطه و تعداد بسیار محدود آموزگار که مقداری از ساعات خود را نیز به دارالمعلمت اختصاص می‌دهند، با توجه به بودجه بسیار محدود، به سختی قادر خواهند بود آموزگاران مورد نیاز را تأمین نمایند (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۲۵).

در اواسط این سال انجمن زرتشتیان در نامه‌ای دیگر به علی اصغر حکمت کفیل وزارت معارف، بیان می‌کنند که به مدت پنج سال و به دلایل مختلف از جمله از میان رفتن درآمدهای سابق خود و همین‌طور سیل سال گذشته که به املاک موقوفات آنان خسارت‌های سنگینی وارد نمود، با مشکلات کمبود بودجه مواجه هستند و در این مدت مکرر از وزارت معارف تقاضای رسیدگی نموده ولی تقاضای آنها به سال بعد موکول می‌گردد (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷-۱۹، ۱۹).

سه سال بعد اداره معارف ایالت کرمان از وزارت معارف می‌خواهد با توجه به درخواست‌های مکرر انجمن زرتشتیان ماهیانه ۵۰۰ ریال به دبیرستان پسرانه و دبستان دخترانه آنان افزوده شود. وزارت معارف مساعدت به آنها را همانند سابق تأمین معلم برای دبیرستان آنها می‌داند و از آنان می‌خواهد با مبلغ سابق ماهانه یک هزار ریال که دو سال قبل به عنوان کمک خرجی تصویب گردید، مشکلات خود را مرتفع نمایند (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۵). انجمن زرتشتیان با توجه به افزایش تعداد دانش‌آموزان در دو سال اخیر که تعداد آنها به ۸۳۰ نفر می‌رسید مبلغ سابق را ناکافی و مدعی گردید با افزایش هزینه‌ها و از میان رفتن برخی درآمدهای سابق مشکلات بسیاری پیش روی آنان قرار داده است. با توجه به نیاز دبیرستان زرتشتیان به آموزگاران با مدرک تحصیلی دانشسرای عالی و کمبود در این زمینه انجمن زرتشتیان از طریق ارباب کیخسرو موفق شدند موافقت وزیر معارف را در تدریس رایگان دو دبیر برای دبیرستان زرتشتیان جلب نمایند (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۱۳).

در سال ۱۳۱۵ مشکلات مدارس زرتشتیان هم چنان پابرجا بود. در نامه انجمن زرتشتیان به اداره معارف کرمان آمده است که از ضعف مدارس آنان آگاه است و امیدوار است که بودجه منظور آنان چه از طریق اداره معارف کرمان و چه از طریق وزارت معارف افزایش یابد (ساکما، ۲۹۷/۱۲۲۱۷، ۳).

در اواخر این سال وزارت معارف به اداره معارف کرمان اعلام کرد که به دبیرستان زرتشتیان اعلام دارند که اگر از مساعدت رایگان دبیران دیگر مدارس خودداری ننمایند وزارت معارف بودجه اختصاصی برای آن دبیران را به خود مدرسه نخواهد داد و تنها به همان کمک خرجی ماهانه یک هزار ریال ادامه خواهد داد (ساکما، ۱۳۲۱۷/۲۹۷، ۵)

به جز مسأله کمبود بودجه در بی‌توجهی وزارت معارف در افزایش بودجه مدارس زرتشتیان کرمان، به نظر می‌رسد با توجه به شناخت رؤسای وزارت معارف از توانمندی‌های اقتصادی زرتشتیان و حمایت پارسیان هند از آنان، به درخواست‌های مکرر افزایش بودجه آنان در طول چند سال کمتر توجه می‌شد و در مقاطع گوناگون نیز نیازمندی‌های آنان را نه از طریق پول بلکه از طریق فرستادن معلم تأمین می‌کردند. در سال ۱۳۰۸ ش رئیس انجمن زرتشتیان کرمان، ارباب جهانگیر رستم فروهر، یک باغ به ارزش سه هزار و پانصد تومان را گرفته و به مدرسه زرتشتیان اختصاص داد (بیداری، ۳ ش، ۳۴-۳۵، ۲) همچنین در سال ۱۳۱۴ ش رئیس انجمن زرتشتیان کرمان زمین بزرگی را به وزارت معارف و دبیرستان زرتشتیان این شهر تقدیم کرد (بیداری، ۸ ش، ۲۶، ۴).

### نتیجه‌گیری

هرچند پایه‌های اصلاحات ساختاری در نظام آموزش و پرورش از دوره مشروطه گذاشته شد، اما تغییرات محسوس و عملی از سال‌های پس از ۱۳۰۰ ش آغاز گردید. در دوره پهلوی اول با اتخاذ سیاست تمرکزگرایی، ساختار آموزشی نیز به تبع اجرای چنین رویکردی متحول گردید. علی‌رغم ماهیت دگرگون‌ساز ساختار آموزشی دوران پهلوی اول و تغییرات و اصلاحات بنیادین صورت گرفته در ساختار آموزش و پرورش و توسعه کمی و کیفی صورت گرفته، کمبود بودجه هم‌چنان از جمله مهم‌ترین مشکلات در جهت رشد این ساختار محسوب می‌گردید. در این میان شهر کرمان به عنوان مرکز ایالت هشتم با توجه به دور بودن از پایتخت، مورد توجه کافی مسئولان وزارت معارف قرار نداشت و همواره از کمبود بودجه در ساختار خود رنج می‌برد. علی‌رغم ریاست افراد معارف پروری چون میرزا حسین خان جودت و مایل تویسرکانی در رأس اداره معارف ایالت کرمان و نفوذ آنان در پایتخت، رشد سریع معارف در کرمان علی‌رغم کمبود بودجه در زمان ریاست آنان اتفاق افتاد. کمبود مدارس ابتدایی و سپس مدارس دوره اول و دوم

متوسطه در بسیاری از مواقع با تلاش‌های این افراد و به همت علاقه‌مندان به موضوع معارف و با اهدا زمین و یا ساخت مدرسه و دادن موقوفات در جهت توسعه معارف هم چنان ادامه یافت. بنا بر این در این دوران ساخت مدارس ملی هم چنان ادامه داشت و نقش مهمی در گسترش مدارس این شهر ایفا نمود.

تا اواسط دوران پهلوی اول متأثر از سیاست‌های دولت و محدود بودن بودجه در وزارت معارف تنها به توسعه کمی مدارس ابتدایی توجه گردید. کمبود بودجه به همراه گسترش ناهمگون دبستان‌های دولتی با توجه به نیازهای گسترده در این زمینه بر رشد کمی و کیفی آموزگاران نیز تأثیر نهاد و کمبود آنها در مقاطع مختلف تا آخرین سال‌های این دوران هم چنان محسوس بود. نبود توان در تشکیل دانشسرای مقدماتی برای تربیت آموزگاران مدارس در مقاطع مختلف در نیمه اول این دوران بسیار محسوس بود. بازتاب این موضوع بر پرورش کیفی دانش‌آموزان تأثیر بسیاری نهاد. با عنایت به این موضوع که بیشتر دانش‌آموزان به دلایل مختلف اغلب تا پایان دوران ابتدایی قادر به حضور در مدارس بودند، وجود آموزگاران ضعیف و متخصص در این امر پیامدهای نامناسبی برای دانش‌آموزان به همراه داشت. این مشکل از اواسط این دوران با تشکیل دانشسرای مقدماتی تا حدودی مرتفع گردید اما کمی حقوق آموزگاران و بی‌رغبتی آموزگاران تحصیل کرده در دانشسرای عالی برای رفتن به کرمان دلیل نقص رشد کیفی تدریس می‌گردید.

اصلاحات آموزشی این دوران محدود به نواحی شهری نبود بلکه در این دوران روستاهای اطراف کرمان نیز اثر نهاد. هرچند رشد مدارس در روستاهای اطراف کرمان به جهت مشکلات مالی دولت اغلب نه با بودجه محدود دولتی بلکه از طریق خیرین و زمین داران متنفذ صورت گرفت. هر چند در این دوران مدارس ملی هم چنان از سوی معارف دوستان و خیرین و به صورت‌های مختلف از جمله وقف هم چنان مورد توجه بود و در کرمان و روستاهای اطراف آن مدارس بسیاری ساخته و یا زمین‌هایی برای ساخت مدارس در اختیار اداره معارف قرار می‌گرفت اما تداوم بقای این مدارس نیازمند حمایت‌های مداوم دولت به خصوص در زمینه نگهداری ساختمان مدارس و تأمین معلم برای آنها بود. اغلب مدارس ملی با توجه به حمایت‌های ناکافی دولت در سراسر این دوران، مشکلات بسیاری داشتند. کمبود بودجه و بی‌توجهی دولت در رفع مشکلات



مالی مدارس زرتشتیان از علل اعتراض چند ساله رؤسای انجمن زرتشتیان به بودجه تخصیص داده شده به آنان بود.

نیاز مدارس متوسطه به آزمایشگاه و سایر امکانات بهداشتی و رفاهی و آموزشی، اسباب گزارش‌های بسیاری در این زمان بود. روزنامه بیداری به عنوان مهم‌ترین ارگان معارفی کرمان کمبودهای آموزشی مدارس این دوران را بسیار بازتاب داده است. بی‌توجهی به تشکیل مدارس صنعتی با توجه به نیاز آنها به امکانات متعدد آزمایشگاهی و مدارس وابسته به برخی ادارات دولتی که به صورت عملی آموزش‌هایی را به دانش‌آموزان می‌داد، از جمله علل نارضایتی معارف‌دوستان این دوران بود. روزنامه بیداری در چند مقاله به این رویه دولت واکنش نشان داده است و ساختار آموزشی چنین رویکردی را ناکارآمد برای دانش‌آموزان دانسته است. تشکیل مدرسه کشاورزی با توجه به وضعیت مناسب کرمان در این امر تنها در سال‌های پایانی این دوران محقق گردید.

مطابق با داده‌های موجود ضعف ساختاری مالی دولت و نیز توجه کمتر به بودجه ایالت دور افتاده‌ای همچون کرمان نشان می‌دهد رشد مدارس ملی و توجه به آن از سوی علاقه‌مندان به توسعه نهادهای معارفی در این دوران بسیار مورد توجه قرار داشته و بیشترین عامل در ترویج مدارس و توسعه ساختار معارفی در این زمان نه با بودجه محدود دولت بلکه از سوی چنین علاقه‌مندانی دنبال می‌گردید.

### منابع

- اکبری، محمدعلی. (۱۳۸۴ش). تبارشناسی هویت جدید ایرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آوری، پیتیر. (۱۳۶۹ش). تاریخ معاصر ایران، ج ۲. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: عطایی.
- حامدی، زهرا. (۱۳۹۵ش). مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول. تهران: نشر تاریخ ایران.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۵۲ش). سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی. تهران: وحید.
- خلیلی‌خو، محمدرضا. (۱۳۷۳ش). توسعه و نوسازی ایران در دوره رضاشاه. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- روح الامینی، فاطمه؛ نادری، شهناز؛ صفا، عزیزالله. (۱۳۸۴ش). آموزش و پرورش شهر کرمان در آینه تاریخ، ۲ جلد. کرمان: مؤسسه آفتاب کرمان
- ساتن، الول. (۱۳۴۴ش). رضا شاه کبیر یا ایران نو. ترجمه عیدالعظیم صبوری. چاپ سوم، تهران: علمی.
- سروش سروشیان، جمشید. (۱۳۷۱ش). تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدیق، عیسی. (۱۳۳۶ش). تاریخ فرهنگ ایران. تهران: دانشگاه تهران.
- صفایی، ابراهیم. (۲۵۳۵). بنیادهای ملی در شهریاری رضا شاه کبیر. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- صنعتی‌زاده کرمانی، عبدالحسین. (۱۳۹۵ش). روزگاری که گذشت. کرمان: مرکز کرمان شناسی.
- قوانین و مصوبات دوره نهم قانونگذاری (۱۳۲۹ش). تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی.
- کرونین، استفانی. (۱۳۸۷ش). رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. چاپ دوم، تهران: جامی.
- نقیبی، مصطفی. (۱۳۹۳ش). تاریخ آموزش و پرورش استان کرمان در دوره مشروطه. تهران: انتشارات عصر مدرن.
- هاکس، مریت. (۱۳۶۸ش). ایران: افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران). ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد، محمدتقی اکبری و احمد نمایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.



۹۶ / تاریخ علم، دوره ۱۹، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ش ۱۶، ۱۳۱۷/۴/۲۵: س ۸، ش ۲۱، ۱۳۱۷/۶/۱۵: س ۸، ش ۲۴، ۱۳۱۷/۷/۲۳:  
س ۸، ش ۲۶، ۱۳۱۸/۸/۱۸: س ۹، ش ۹، ۱۳۱۶/۱/۲۷: س ۹، ش ۱۶، ۱۳۱۸/۶/۵:  
س ۹، ش ۵۲، ۱۳۱۸/۵/۱۱: س ۹، ش ۹۶، ۱۳۱۸/۱۲/۹: س ۱۰، ش ۱۹، ۱۳۱۸/۵/۵:  
۱۳۱۹: س ۱۰، ش ۲۷: ۱۳۱۹/۶/۴: س ۱۰، ش ۳۰، ۱۳۱۹/۶/۱۳: س ۱۰، ش ۳۴،  
۱۳۱۹/۷/۹: س ۱۰، ش ۴۴، ۱۳۱۹/۱۱/۱۵: س ۱۱، ش ۵، ۱۳۲۰/۳۴/۱: س ۱۱، ش ۷،  
۱۳۲۰/۴/۲۳: س ۱۱، ش ۸، ۱۳۲۰/۵/۱.



آب و نبات  
بکاله کرمان علمه کم بهشت  
و عسین مدرسه و نون ۱۲ ایران  
طیبه متر سطره - ۲۰  
اشفاس توتال - ۳۰  
سایر بلاد باضاهه اجرت بهشت  
شاه ۵  
تک نمبره

# بیدار

پنج شنبه  
۱۳۱۱  
۱۳۱۱

علی اداره کتابخانه معارف  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول  
و نگارنده  
سید محمد هاشمی  
هنرمند نگارگری - چهره پنداری  
قیمت درج افلاکات و اربعه مقالات  
خصوصیه با اداره است

راجع معارف

قابل توجه حضرت آقای وزیر محترم معارف  
کرمانیان از سرانجام مخصوصه و توجه آن وزیر محترم که  
بکرمان نظر محبت مخصوصی داشته اند همواره شکر گذار  
بوده اند امید واریم امساله نیز توجه مخصوصی برای  
افتتاح چند باب مدرسه در اماکن لازمه و از همه مهمتر تکمیل  
مدرسه متوسطه بفرمایند که مد رسه از حیث بنا و از حیث  
و کتاب و لایزال اتوار کاملاً احتیاج دارد و لایزال استعدا  
میشنایم مدرسه را با افتتاح کلاسها و شعبه ادبی تکمیل  
فرمایند که حقیقت شعبه ادبی است که برای آئینه معلم  
تربیت خواهد نمود امرا قبت و فعالیت آقای رئیس  
محترم معارف جو دت کاملاً مستظهریم که ما اند  
سنوات سابقه امساله نیز وسایل از دیاد بوده و تکمیل  
نواقص را فراهم خواهند نمود

قد کور

قیمت نان با نرخ کمندم چندان متناسب فروخته نمیشود  
هر چند نان در نهایت خوبی است ولی قیمتش گویا  
با بازار امروزه اجناس قدری گران است لذا با اندک  
توجه حضرت آقای والی معظم امید واریم بامیزان  
عاد لانه تری نرخ بندی شود

انتقال

اخیراً آقای نور رئیس بلدی به ریاست کابینه ایالتی منتقل  
و آقای محتشم رئیس سابق کابینه بصکومت بافت  
و اقطاع منسوب گردیدند

راجع بطریق

مراسلات چندین راجع راه طهران سه چهار فرستگ  
از کرمان تا با طرف سعادت آباد و اصل شده که بو سیله  
ما از اداره محترم طرق استعدای توجه آنرا نمودند  
نگارنده نیز تصدیق مینماید که اینها و این قسمت  
یک اصلاح اساسی کالی لازم دارد زیرا که در نتیجه  
عبور و مرور زود خرابی پذیراست و بخصوصاً موقع باران

رباعی

بر ما و تو حکمت جهان است نهان  
زین روی با عراض بگشوده دهان  
چون بشه که صرصرش ببرد و میگفت  
از با د بجز ضرر چه خیزد بجهان  
کس با خبر از عالم بالا نیست  
هم آگه از این دنی و ما فیها نیست  
یا للعجب این لا یتناهی جو را  
از هیچ طرف کرانه پیدا نیست هاشمی

که در این راه خود بسختی هر چه تمامتر دوچار شده  
شده ایم میدانیم که آن خاک و گل چسبندگ دوران زمینهای  
ناهموار تا چه حد خطرناک و موجب زحمت است لذا  
حضرت آقای کاسرانی رئیس محترم طرق را با اصلاح اساسی  
این قسمت متوجه میشنایم

مجمع ترقی و ترویج فوتبال ایران

در تحت ریاست عالی و الاحضرت اقدس دامت عظمته  
شعبه کورمان

عموم علاقه مندان بورژس را برای روز جمعه ۱۶  
اردیبهشت ساعت ۴ بعد از ظهر و آخر بن مشابقه  
فوتبال فیما بین (کلوب مد رسه یهلوی - و کلوب  
باستانی) خواهد بود دعوت مینماید در خاتمه کلوب فاتح  
بنام نامی و الاحضرت اقدس دامت عظمته از طرف  
مجمع باخذ مدال و جوایز متنفر میگردد شایسته

سؤال

سبب ترقی فوق العاده قیمت قند اخیراً معلوم نیست  
چیز میل فروشندگسان چه بوده و از اول فروردین  
غالباً روزانه قیمت بالا رفته چون علت و موجب را  
ندانسته ایم که قند موجودی چرا باید اینقدر ترقی کند  
لذا از فروشندگان سؤال مینمائیم